

اعمال ماه رجب و اهمیت آن

و سیره ائمه و اولیاء الهی در این ماه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقاله پیش رو، در مقام بیان اهمیت ماه رجب و لزوم استفاده از فیوضات توحیدی بی نظیر این ماه است، که برگرفته از سخنان حضرت علامه آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی و حضرت آیت الله حاج سید محمد محسن طهرانی رضوان الله علیهما می باشد.

ماه رجب دعوت نامه الهی برای انسان

آمدن ماه رجب به این معناست که دوباره برای ما دعوت نامه الهی آمده است و پروردگار به انسان می گوید: دوباره ما تو را دعوت کردیم؛ و اگر خودت نیامدی و پای این سفره نشستنی، دیگر به خودت مربوط است، ما دعوت را فرستادیم.^۱

روایت «مَلَكِ دَاعِي» در فضیلت ماه رجب

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرموده اند:

أَلَا إِنَّ رَجَبًا شَهْرُ اللَّهِ الْأَصَمِّ وَهُوَ شَهْرٌ عَظِيمٌ وَإِنَّا سُمِّيَ الْأَصَمَّ لِأَنَّهُ لَا يُقَارِبُهُ شَهْرٌ مِنَ الشُّهُورِ حُرْمَةً وَفَضْلًا عِنْدَ اللَّهِ، وَكَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُعَظِّمُونَهُ فِي جَاهِلِيَّتِهَا فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامُ لَمْ يَزِدْ إِلَّا تَعْظِيمًا وَفَضْلًا، أَلَا إِنَّ رَجَبًا شَهْرُ اللَّهِ وَشَعْبَانَ شَهْرِي وَرَمَضَانَ شَهْرُ أُمَّتِي.

«آگاه باشید که رجب ماه اصم خداست و آن ماهی بزرگ و گرانمایه است و همانا از آن رو به «اصم» نامیده شده که هیچ ماهی در پیشگاه خدا ارجمندتر و فضیلت مندتر از این ماه نیست و اهل جاهلیت عرب در روزگار جاهلیت آن را بزرگ می داشتند؛ پس چون اسلام فرا رسید، بر آن جز بزرگی و فضیلت نیفزود. هان! به راستی رجب ماه خدا و شعبان ماه من و رمضان ماه امت من است.»

همچنین مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل

می کند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي، فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ! طُوبَى لِلطَّائِعِينَ!

«خداوند متعال در آسمان هفتم^۲ فرشته ای قرار داده است که به او داعی می گویند (داعی یعنی کسی که

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱.

^۲ فضائل الأشهر الثلاثة، جلد ۱، ص ۲۴.

افراد را می خواند و صدا می زند) وقتی ماه رجب داخل می شود، این مَلک هر شب تا صبح صدایش بلند است: خوشا به حال آن کسانی که در حال ذکر هستند! خوشا به حال آن کسانی که در حال اطاعت اند!

و يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ جَالِسِنِي وَ مُطِيعٌ مِّنْ أَطَاعَنِي وَ غَافِرٌ مِّنْ اسْتَغْفَرَنِي. الشَّهْرُ شَهْرِي وَ الْعَبْدُ عَبْدِي وَ الرَّحْمَةُ رَحْمَتِي، فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَحَبَّتُهُ وَ مَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ مَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ.

خداوند متعال می فرماید: من همنشین کسی هستم که او خود را با من همنشین کند، و من اطاعت کسی را می کنم که او اطاعت مرا بکند! و می بخشم کسی را که از من طلب بخشش کند. این ماه، ماه من است و این بندگان همه بندگان من هستند و رحمت هم اختصاص به من دارد؛ کسی که مرا در این ماه بخواند او را اجابت می کنم و کسی که از من بخواهد به او می دهم و کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند من او را هدایت می کنم!

تمام جملاتی که در اینجا هست یک طرف، و این یک فقره یک طرف! ما در این ماه باید از خدا بخواهیم که خدا ما را هدایت کند. هدایت کردن یعنی موانع را از جلوی راه برداشتن، راه خود را مستقیم کردن و از خطرات حفظ کردن.

وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي، فَمَنْ اعْتَصَمَ بِي، وَصَلَ إِلَيَّ.

من این ماه را ریسمان بین خودم و بندگانم قرار دادم؛ هرکس که به این ریسمان چنگ بزند، به من می رسد.

خصوصیت استثنائی ماه رجب، در غلبه جنبه توحید

در ماه رجب جنبه توحید و خصوصیات توحیدی خیلی غلبه دارد و کسانی در ماه رجب خیلی بهره مند می شوند که از نقطه نظر معارف توحیدی، درجات و مقاماتی را ادراک کرده باشند؛ استفاده این افراد از ماه رجب بسیار زیاد است. کیفیت ارتباطی که نفس در ماه رجب با تجلیات توحیدی و با فیوضات پروردگار دارد، یک حالت و شعور و ادراک خاصی را برای سالک در این ماه متجلی می کند.^۱

ماه رجب، ماه فناء فی الله

ماه رجب ماه فناء فی الله است. علت اینکه ماه رجب ماه خداست، این است که در ماه رجب حالت خاصی وجود دارد که از آن حالت خاص فقط اهل الله می توانند استفاده کنند. اگر چه استفاده دیگران ضعیف و محدود می باشد، اما اهل الله هستند که این ماه را می توانند درک کنند؛ یعنی جاذبه های مقام ربوبی و توحیدی

^۱ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۷۷.

و بارقه‌های توحیدی که سالک را زیرورو می‌کند و تعلق سالک را از همه چیز قطع می‌کند و او را فقط متوجه به حقیقت توحید می‌کند و از همه آن تزییلات و فروعات و رشته‌ها و تعلقات و ارتباطات می‌برد، آن در ماه رجب است. حتی ماه رمضان هم این کار را انجام نمی‌دهد. [گرچه] ماه رمضان ماه رحمت است، ماه برکت است، ماه انبساط است، ماه غفران است، خداوند همه را می‌بخشد، ولی آن عمل زیربنایی مربوط به ماه رجب است.^۱

فراهم نمودن مقدمات فناء: تخلیه و تحلیه و تجلیه

مرحوم علامه طهرانی رضوان‌الله‌علیه در کتاب تفسیر آیه نور می‌فرماید:

انسان باید به خدا برسد. چه قسم برسد؟ چه کار کند برسد؟ باید مشابَهت پیدا کند!

شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام *** تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده^۲

خدا پاک است، آدم نجس نمی‌تواند [به حرم پروردگار] برود! آدم آلوده را به حرم راه نمی‌دهند، به

دربار پادشاه راه نمی‌دهند؛ باید تزکیه و تطهیر کند!

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)^۳؛

پیغمبر برای این آمده که [مردم را] تطهیر کند، تزکیه کند! مردم با آن عالم مسانحه و شباهت پیدا

کنند!

درجه اول شباهت، «تخلیه» است. تخلیه یعنی انسان از تمام صفات زشت و نقص و توجه به کثرات

که انسان را از عالم نور و اطلاق دور می‌کند، خودش را خالی کند. اول ترک معصیت کند، ترک مخالفت رضای

محبوب کند. او می‌خواهد برود در خانه معشوق را بزند! وقتی با او دارد دشمنی می‌کند و مخالف رضای او را

انجام می‌دهد، این در زدن فایده ندارد! راه اول تخلیه است. لذا در همه روایات داریم که با وجود معصیت

انسان نمی‌تواند راه طی کند؛ اول باید ترک معصیت کند و خود را از ناپسندیده‌ها خالی کند.

درجه بعد «تحلیه» است؛ یعنی مُتَحَلِّي شدن به صفات کمال. عبادت انسان خوب باشد، مستحبات

انجام بدهد، انفاق کند، صلۀ رحم کند، حج کند، هر کار خوبی از دستش می‌آید بکند. حالا که خودش را از

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۱۹۵.

^۲ دیوان حافظ، طبع پزمان، غزل ۴۳۱.

^۳ سوره جمعه (۶۲) آیه ۲.

^۴ نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۲۱۳.

«اوست خداوندی که در میان مردم درس نخوانده و در دامان مادر پرورش یافته، از خود آنها پیامبری را برانگیخت تا برای ایشان آیات خدا را تلاوت کند، و آنان را رشد و نُمو دهد و کتاب و حکمت را تعلیمشان نماید.»

بدی‌ها خارج کرد، خودش را به این خوبی‌ها متّصف کند! این درجه بالاتر [است].

درجه سوّم «تجلیه» است. تجلیه یعنی: متجلی شدن به صفات پروردگار. در آنجا دیگر تجلیات شروع می‌شود، خدا خودش را نشان می‌دهد: یک‌وقت به صفتِ القادر، یک‌وقت به صفتِ العالم، یک‌وقت به صفتِ الرّحمان، یک‌وقت به صفتِ الرّحیم. این در تمام مظاهر وجود جلوه می‌کند، [و] تجلیات شروع می‌شود. مرتبه چهارم مرتبه «فناء» است. تجلیات اسمائی و صفاتی که به نهایت رسید، آخرین مرتبه ملاقات، مرتبه فناء است. در آنجا شخصی که راه را طی می‌کند، به مرتبه‌ای می‌رسد که هرچه هست به خدا می‌سپارد و اعتراف می‌کند: خدایا من نه وجود دارم، نه علم دارم، نه قدرت دارم، نه حیات دارم، هیچ، هیچ! همه اینها مال توست و تو به ما دادی! اعتراف می‌کند و علاوه بر اعتراف، با لسان دل هم تصریح می‌کند و تفویض می‌کند. اینجا به مقام فناء می‌رسد.^۱

ویژگی ماه رجب در قبال ماه رمضان

ماه رمضان برای عامّه مردم نفع بیشتری دارد، ولی ماه رجب برای خصوص سالکان الی‌الله از ماه رمضان نافع‌تر است. در واقع ماه رجب تفاوتش با دیگر ماه‌ها در این است که بروزات آن خفی است. در ماه رمضان همه این اختلاف را متوجه می‌شوند؛ همین روزه‌ای که انسان می‌گیرد، می‌فهمد که این روزه چه تغییری در او ایجاد کرده است. حتی افرادی که خیلی اهل این مطالب هم نیستند معترف‌اند و می‌فهمند. ولی ماه رجب را [هر]کسی نمی‌فهمد، نکته‌اش هم همین است: ماه رجب برای خاصان است، لذا خدا نگذاشته که همه بفهمند. ماه رجب متعلق به کسانی است که به دنبال مطلب هستند، برای آنهایی است که در راه‌اند، برای آنهایی است که به دنبال چاره‌ای می‌گردند.

در ماه رجب، گرچه رحمت پروردگار شامل همه افراد است اما یک خصوصیت خاص نسبت به اولیاء خودش و افرادی که از نقطه نظر سلوکی مراتبی را طی کرده‌اند دارد و حالات و جذبات توحیدی در ماه رجب بیشتر از دیگر ایام است؛ یعنی آن جنبه حالات توجّه انسان و آن روحانیت، انبساط، حالت لطافت، حالت سبکی، در ماه رجب به نوع دیگری وجود دارد؛ حالات، حالات سنگین سلوکی است، حالات سنگین آن جذبات توحیدی است و واردات و بارقات و تأثیراتی که در ماه رجب بر نفس وارد می‌شود، نسبت به سایر ایام‌الله، تأثیرات عمیق‌تر و زیربنایی‌تری است.

^۱ تفسیر آیه نور، ص ۱۱۳.

سیره اولیاء الهی در هنگام فرارسیدن ماه رجب

لذا اهتمام بزرگان نسبت به ماه رجب حتی از ماه رمضان هم بیشتر بود و عبارت علامه طهرانی این بود: «سالکین باید نسبت به ماه رجب و ماه‌های حرام، واکنش و حساسیت بیشتری نشان بدهند.» مسئله یک مسئله اعتباری و توهمی نیست، بلکه یک مسئله واقعی است. مشخص است وقتی که ماه رجب می‌آید، حال و هوا با ماه جمادی فرق دارد، چطور اینکه حال و هوا در ماه رمضان تفاوت می‌کند، یا وقتی محرم می‌آید، متوجه می‌شوید حال و هوا عوض شده است، اثر معنوی این حادثه، چطور فضا را تغییر می‌دهد و محزون می‌کند.^۱

دأب و دیدن^۲ مرحوم علامه طهرانی رضوان‌الله‌علیه این بود که قبل از ماه رجب، دوستان خود را جمع می‌کردند و راجع به اهتمام ماه رجب مطالبی را می‌فرمودند. آنچه را من بدون توجه به روایات و احادیثی که در فضیلت ماه رجب آمده است از تجربیات شخصی خودم با علامه طهرانی و سایر بزرگان رضوان‌الله‌علیهم به یاد دارم، این است که ایشان در تمام ایام سال، نسبت به سایر ماه‌ها اهتمام بیشتری به ماه رجب داشتند و خود ایشان (علامه طهرانی) هم در ماه رجب تغییراتی داشتند.

ایشان به‌طور کلی در زندگی و در اعمال شخصی خودشان نسبت به ماه رجب مراقبت بیشتری داشتند و به رفقا و دوستانشان نیز به‌عنوان توصیه می‌فرمودند: «ماه رجب ماه الهی است، انسان نباید در ماه خدا غیر خدا را داخل کند.»^۳

بخش اول: مراقبات قبل از ورود به ماه رجب

۱. حالت انتظار و آمادگی ورود به شهر ثلاثه

ماه رجب ماهی است که سالکان، امید آمدن آن را دارند و و از ماه‌های قبل برای آمدن ماه رجب روزشماری می‌کنند. این حالت انتظار و ترقب برای آمدن ماه رجب خیلی حالت مهمی است؛ به‌طوری که این حالت انتظار و ترقب از ذکر و ورد و سایر اعمال عبادی مهم‌تر است.

حالت انتظار یعنی وقتی انسان می‌خواهد وارد ماه رجب شود، با یک نفس و روحیه و حال و هوایی وارد شود که گویا به پذیرایی خدا می‌رود. این حالت از اعمال مهم‌تر است؛ چون آنچه به انسان می‌رسد

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱.

^۲ دأب و دیدن: روش، سیره.

^۳ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱.

به واسطه نیت است، و آن نیت است که باعث انوار و فیوضات الهی می شود.

همچنین سالک باید آمادگی و تهیّ و ورود در ماه رجب را از قبل در خود ایجاد کند؛ چون یک لحظه از ماه رجب هم یک لحظه است! در کیفیت صحبت دقت بیشتری داشته باشد، در ارتباط با افراد دقت بیشتری داشته باشد، نسبت به تخیلات و توهمات و آنچه به ذهن خطور می کند، مراقب باشد و در رعایت حال افراد و زیردستان و امثال ذلک خودداری و خویشنداری بیشتری داشته باشد.

حتی بزرگان می فرمودند: «بهتر است انسان از اول جمادی الثانی حال و هوای ماه رجب را در فضای رفت و آمد خودش و بیت خودش وارد کند تا اینکه بتواند از این مسئله استفاده کند.»

راجع به گوش، راجع به چشم، راجع به قدم، و اینکه هر جایی نرود، با هر کسی صحبت نکند، میزان صحبت با افراد را محدودتر کند، به هر مطلبی گوش فرا ندهد و به هر جایی چشم نیندازد؛ و نگوید که حالا تا ماه رجب فاصله داریم و خدا بزرگ است! بله خدا همیشه بزرگ است، ولی خدا بر هر چیزی علت و سبب قرار داده است. و خلاصه تأکیدی که بزرگان داشتند این بود که آمادگی انسان برای ورود به این شهر مبارکه رجب و شعبان و رمضان، و آنچه در خود ایجاد می کند، خیلی مهم است.^۱

۲. توبه و بازگشت به سوی خداوند

ورود در ماه‌های حرام و ماه‌هایی که مشمول عنایت و لطف خاص پروردگار است، آداب و شرایطی دارد. شما وقتی به دیدن یک نفر می روید، با همان لباسی که در منزل است که نمی روید! لباس می پوشید، حمام می روید، عطر می زنید، خود را آماده می کنید. ماه رجب هم از دیدگاه اولیاء الهی چنین خصوصیتی دارد؛ لذا می فرمودند: «بهترین کار برای سالک این است که قبل از ماه، توبه کند! غسل توبه و غسل استخاره انجام دهد و بعد از دو رکعت نماز، سر به سجده بگذارد و صد مرتبه «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ»^۲ بگوید؛ یعنی خدایا من خودم را برای ورود در این ماه می خواهم آماده کنم، دست و پای خودم را می خواهم جمع کنم، وضع خودم را می خواهم درست کنم و حساب خودم را می خواهم با تو تصفیه کنم و عبد باشم.

یک بار رفقا از من سؤال کردند که بهترین چیز برای ماه رجب چیست؟ گفتم: من همان را عرض می کنم که بزرگان فرموده‌اند: «بهترین چیز این است که انسان خود را از خود بیرون بیاورد، از خودیت بیرون بیاورد و به عنوان یک عبد باشد و اراده و اختیار خود را تسلیم اختیار پروردگار کند.»^۳

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۲۱۶.

^۲ حیات جاوید، ص ۱۱۳:

«از خدا طلب خیر و رحمت او را می نمایم، و به رحمت او برای رسیدن به خیر، چشم امید دارم.»

^۳ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱.

قبل از هر کاری که می‌خواهد انجام بدهد، اول ببیند که او چه می‌خواهد، بعد انجام بدهد. هر فکری می‌خواهد برای او بیاید، اول ببیند او چه رضایت دارد، بعد راجع به آن فکر کند. هر اقدامی که می‌خواهد بکند، اول جنبه اتصال و ارتباط با او را در نظر بگیرد و بعد به آن قضیه اقدام کند. این همان مقام عبودیتی است که اگر خداوند به بنده‌ای توفیق بدهد، می‌تواند حظّ و نصیب بیشتری ببرد.^۱

بخش دوم: مراقبات پس از ورود به ماه رجب

۱. تصحیح خیال

مهم‌ترین مسئله‌ای که در این سه ماه رجب، شعبان و رمضان برای انسان توصیه شده است، عبارت است از اینکه انسان ذهن خود را از خطورات و از مسائل پاک کند، و نگذارد هر خطوری به ذهن او بیاید، یا اگر خطوری می‌آید، نگذارد در آنجا لانه کند و بماند، بلکه زود از ذهن خود دفع کند تا اینکه نفس بتواند قابلیت ورود انواری را که از عالم ملکوت می‌آید، پیدا کند. و بداند که با وجود خطورات و ذهنیات، دیگر جایی برای آن انوار و واردات نیست؛ لذا باید ذهن خود را آماده کند.^۲

۲. رعایت مراقبه

مراقبه از اهمّ شرایط سلوک است و آن عبارت است از آنکه سالک در جمیع احوال مراقب و مواظب باشد تا از آنچه وظیفه اوست تخطی ننماید و از آنچه بر آن عازم شده تخلف نکند. مراقبه معنای عامی است و به اختلاف مقامات و درجات و منازل سالک تفاوت می‌کند. مراقبه حکم پرهیز از غذای نامناسب برای مریض را دارد، و تا وقتی که مریض مزاج خود را پاک ننماید و از آنچه مناسب او نیست پرهیز نکند دارو بی‌اثر خواهد بود، و چه بسا گاهی اثر معکوس می‌دهد.^۳

مرحوم علامه طهرانی رضوان‌الله‌علیه در توضیح معنای مراقبه می‌فرماید:

من یک روز از حضرت علامه طباطبایی سؤال کردم که «فلان عمل در چه صورت مؤثر است؟»

ایشان فرمودند: «با مراقبه! مراقبه!» بعد خودشان تفسیر کردند که مراقبه معنایش این است:

صمت و جوع و سَهَر^۴ و عزلت و ذکر به دوام *** ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

یعنی حتماً برای تحقق مراقبه، عمل به این امور لازم است که عبارت است از:

^۱ همان، جلسه ۲۱۷.

^۲ همان، جلسه ۱۴۵.

^۳ رساله لب اللباب در سیروسلوک اولی‌الالباب، ص ۱۱۳.

^۴ سَهَر: شب‌بیداری.

^۱ آیین رستگاری، ص ۱۲۰:

«راه سیر و سلوک برای آرامش نفس است که تجلیات خدا فقط در سایه آرامش نفس است.

روایتی داریم از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که می فرماید: لَوْلَا تَمَرِيحٌ فِي قُلُوبِكُمْ وَ تَكْثِيرٌ فِي كَلَامِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا أَرَىٰ وَ لَسَمِعْتُمْ مَا أَسْمَعُ. «اگر این اضطراب و تشویش و دگرگونی در دل های شما نبود، و این زیادی گفتار بر زبان شما نبود، هر آینه البته شما می دیدید آنچه را که من می بینم و می شنیدید آنچه را که من می شنوم.»

باز در حدیث نبوی دیگر داریم از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که: لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ حَوْلَ قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَرَأَوْا مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. «اگر شیاطین اطراف قلب فرزند آدم دور نمی زدند و آن را احاطه نمی کردند، این فرزند آدم ملکوت آسمان و زمین را می دید.»

زیادی گفتار چه ربطی به قلب دارد؟ این گفتار و کلامی که انسان دارد یک اثر وجودی از نفس اوست که ناشی از اراده اوست. نفس چیزی را می بیند، تصویری می کند، خواهشی دارد، صورتی را در نزد خودش، از معنا یا از صور ذهنی در نظر می آورد، آن وقت آن معنایی را که می خواهد در خارج برای دیگری القاء کند، غیر از زبان راهی ندارد که آن معنا را القاء کند؛ پس این گفتار، یک گفتار جدای از دل نیست، اثری است که از دل و نیت حکایت می کند؛ پس گفتار نشان دهنده نفس و حقیقت انسان است، گفتار نشان دهنده صاحب نفس است، گفتار نشان دهنده شقی و سعید است. افکار انسان و نیت انسان و عقائد انسان و اراده انسان از آثار نفس انسان است و این گفتار حکایت از آنها می کند؛ پس وجود نازل ای از همان معانی منطوقی در نفس است؛ یعنی وقتی نفس را، خواهشش را، تقاضایش را، اراده اش را بخواهیم پایین بیاوریم، با همین گفتار پایین آورده ایم و ارائه و نشان داده ایم؛ پس گفتار هر کس نماینده اوست، نماینده شخصیت و حرکت اوست؛ چون گفتار خود او را نشان می دهد، این رابطه بین گفتار و قلب است. حالا چرا انسان گفتار نکند؟ بله، اگر قلبش، قلبی باشد صاف و مطهر و پاک و راه رفته و رسیده، مانند صدیقین و مقربین، گفتارش عین حق است؛ کم باشد، زیاد باشد، شب تا صبح باشد، هیچ تفاوتی نمی کند. مثل خطبه هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام می خواند؛ مثل فرمایشاتی که دارند، آنها حق اند؛ چون این گفتار از آن نفس نیست، از آن خداست، پس گفتار عین حق است. کم باشد، زیاد باشد، یکی است.

و اما آن کسی که می خواهد عبور کند، باید گفتار خودش را تصحیح و کنترل کند. برای اینکه گفتارش را کنترل کند، باید قلبش را کنترل کند تا گفتار به زبان نیاید؛ چون بین گفتار و قلب رابطه هست، لذا انسان بایستی سکوت اختیار کند تا قلب هم تکان نخورد و آرام بگیرد. انسان وقتی آن معانی را که می خواهد در ذهن بیاید، به زبان نیاورد، آنجا ترمز می کند، دیگر نمی گذارد آن معانی ولو معنای خراب باشد، نزول پیدا کند.

من باب مثال: انسان غضب کرده، می خواهد کسی را سب کند، اگر جلوی گفتار خودش را نگیرد سب می کند؛ ولی اگر در نیت می خواهد سب کند، اما جلوی گفتار را بگیرد، آنجا ترمز شده، جلوگیری کرده، دندان روی جگر گذاشته و جلوی خودش را گرفته و نگذاشته آن معنی خراب به زبان بیاید. این معنا اگر تکرار پیدا کند و برای انسان ملکه بشود، دیگر نیت بد هم نمی آید. ده بار انسان می خواهد به کسی تندی کند ولی برای خدا جلوی خودش را می گیرد، دیگر نیت تندی هم برایش نمی آید، فکر تندی نمی آید دیگر، فکر خراب برایش نمی آید، و کنترل این هم به دست زبان است؛ یعنی راه کنترل قلب حفظ زبان است.

۲. جوع: یعنی گرسنگی، و تنظیم غذا، خودداری کردن از زیاده‌روی و امثال اینها. و روزه که معلوم است حدّ اعلا و اکمل است، به شرط اینکه در موقع افطار یا در موقع سحر تدارک مافات نشود و آن قدر انباشته نشود تا اینکه تمام آن آثار روزه از بین برود.

۳. سَهَر: بیداری آخر شب است. اصلاً سالک که آخر شب و بین الطلوعین بیدار نباشد به جایی نمی‌رسد، هزار سال هم زحمت بکشد، فایده ندارد. این دستور اساسی است!

۴. عَزَلت: یعنی دوری از ابناء دنیا و اهواء و آراء مردم دنیاپرست و کسانی که همشان به دست آوردن مال و جاه و اعتبار است؛ گرچه مسلمان‌اند و نماز می‌خوانند، ولی درد دین ندارند، درد خدا ندارند، دردشان همین مسائل زندگی و اجتماعی و امثال اینهاست. برخورد با اینها انسان را خسته می‌کند، کسل می‌کند و روح را از بین می‌برد.

۵. دوام ذکر: یعنی پیوسته انسان در دلش باید یاد خدا باشد و به فکر خدا باشد.^۱

۳. وظایف سالک در شب و روز

بهتر است انسان اوقات خود را تنظیم کند، شب بهتر است زود بخوابد، غذای او غذای مناسبی باشد و از مسائلی که سایر افراد به آن مبتلا هستند باید پرهیز کند. [مانند مشاهده] اخبار و مسائل بی‌ارزش، تصاویر، دیدن فیلم‌ها و مسائلی که غیر از اتلاف وقت و ورود شیاطین در حوزه منزل و وجود انسان، هیچ اثر دیگری ندارد همه اینها را کنار بگذارد؛ شب با وضو بخوابد و صبح زود برخیزد تا برای نماز آمادگی داشته باشد. وقتی که از منزل خارج می‌شود فقط به این نیت باشد که می‌رود تا تکلیفی را انجام دهد و برگردد! خود را آغشته با مسائلی که در دوروبر است نکند و از مطالب آنها پرهیز کند. اینهاست که باعث می‌شود حالت آمادگی و تَهَيُّو برای انسان پیدا بشود!^۲

می‌گوید: زبان را ببند تا قلب خراب نشود؛ و این آرامشی که برای قلب پیدا می‌شود به واسطه این است که زبان باید ساکت باشد؛ و الا اگر زبان حرکت کند، قلب همیشه در تمریج است، همیشه آشوب است؛ زیرا که زبان نماینده قلب است و با مُدِرکات قلبی نسبت مستقیم دارد. حالا چقدر انسان سکوت بکند؟ این فرق می‌کند؛ در منازل و مراحل مختلف فرق می‌کند. در اوّل برای سالک می‌گویند: از زوائد باید سکوت اختیار کند؛ نه اینکه تنها از غیبت و دروغ و از این حرف‌ها. از حرف‌های عادی هم که انسان می‌زند ولی نه فایده دنیوی دارد نه اخروی، باید دوری کند، انسان باید یک قلبی به دهانش بزند و حرف زیادی نزند. سالک باید صددرصد کنترل زبانش دست خودش باشد، هر حرفی که می‌خواهد بزند، ببیند این حرف اصلاً صحیح است یا نه؟ چه فایده‌ای بر آن مترتب است؟ این کنترل اعم است از اینکه گفتار باشد یا مسموعات؛ چیزهایی را که انسان می‌شنود آن هم برای قلب تمریج می‌آورد. انسان نباید همه چیز را بشنود، آن چیزهایی را باید بشنود که برایش فایده دارد.

^۱ آیین رستگاری، ص ۱۵۱.

^۲ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۱۴۴.

۴. کیفیت تغذیه

از جمله نکاتی که [بزرگان] به آن خیلی اهتمام داشتند، کیفیت تغذیه بود، که می‌فرمودند در این ماه [رجب و] همین‌طور در ماه شعبان و رمضان خوب است که سالک تغییری در تغذیه خود به وجود بیاورد و آن تغذیه به نحوی باشد که در عین سبکی بتواند او را برای انجام عبادات حفظ کند و نگه دارد.

علامه طهرانی می‌فرمودند که «در این سه ماه خوب است که انسان هیچ‌وقت احساس سیری و ثقل نداشته باشد، غذایش به نحوی باشد که همیشه احساس بکند غذا بر او مسلط نیست، معده او را درگیر نمی‌کند، فکر او را معده به خود مشغول نمی‌کند.» این مسئله برای جلب فیوضات و جذبات به خصوص در ماه رجب خیلی اهمیت دارد. آنچه بنده در یکی از جلسات از ایشان شنیدم این بود:

«سالک توقع نداشته باشد که آنچه خداوند متعال برای بندگانش در ماه رجب تخصیص داده است، با معده پُر قسمت او بشود؛ این مسئله انجام نخواهد شد!»^۱

۵. مطالعه احوال و آثار بزرگان

مطالعه کردن احوال بزرگان، قصص بزرگان، کتاب‌های اخلاقی، کتاب‌های علامه طهرانی، نسبت به مسائل مختلف خیلی برای انسان می‌تواند کارساز باشد. همچنین اشعار بزرگان و اولیاء را گاهی زمزمه کردن و توجه کردن به معانی آن بسیار راهگشاست. هر روز انسان مثلاً چند خط شعر از خواجه حافظ شیراز مطالعه کند و مفاد آن را در حدود ظرفیت خودش مطالعه کند، یا اشعار مولانا یا اشعار اولیاء و بزرگان دیگر. خواندن این اشعار، انسان را از این عالم تکثرات خارج می‌کند، و انسان این مطلب را خودش می‌فهمد، یعنی خودش متوجه می‌شود که چطور با وارد شدن در مطالعه احوال بزرگان و مطالعه این اشعار، این حالت برای او پیدا می‌شود.^۲

۶. زیارت اهل قبور

هفته‌ای یکبار به زیارت اهل قبور رفتن و برای آنها طلب مغفرت کردن [مورد تأکید است]. البته نه اینکه انسان هر روز برود؛ هفته‌ای یکبار، آن هم نه ظهر و شب، بلکه پنج‌شنبه، بین الطلوعین انسان به قبرستان برود.

الان که دیگر قبرستان‌ها پارک و باغ شده است! این قبرستان‌ها نه تنها انسان را از کثرت بیرون نمی‌آورد، بلکه انسان را متوجه کثرات و دنیا می‌کند. قبرستانی پیدا کنید مثل همین قبرستان حاج شیخ در قم، قبرستان وادی السلام [در نجف]. باید انسان به قبرستانی برود که نگاه به آن قبرستان او را تکان بدهد، بلرزاند، او را متوجه کند که فردا نوبت اوست. و همان‌طوری که بزرگان فرموده‌اند، برویم کنار قبرستان بنشینیم و یک

^۱ همان، جلسه ۱۷۹.

^۲ همان، جلسه ۹۲ و ۲۰۰.

فاتحه بخوانیم و بعد به تفکر و سکوت پردازیم؛ اثر این سکوت در نفس، از قرآن خواندن بیشتر است. البته بعد از آن یک سوره تبارک، یک سوره یاسین، انسان برای اهداء ثواب برای آنها هم بخواند.^۱

۷. عیادت بیماران و رسیدگی به امور آنان

عیادت مَرَضی و رسیدگی به امور بیماران به حال انسان سرعت می بخشد.^۲ انسان باید به دیدن مریض برود و از مریض عیادت کند. منظور از عیادت مریض، خشنودی و خوشحالی او از انسان است؛ لذا مستحب است که انسان چیزی ببرد، چون مریض دل شکسته است و اگر انسان به زیارت و ملاقاتش برود و تحفه‌ای ولو مختصر، مثل یک دانه سیب یا یک دانه به برای او ببرد، او خوشحال می شود.^۳

۸. صلۀ رحم و رفع اختلاف میان افراد

از جمله مسائلی که در ماه رجب مورد تأکید بزرگان بوده است، مسئله صلۀ رحم و رفع اختلاف بین دو نفر است. حضرت آیت‌الله طهرانی رضوان‌الله‌علیه در این رابطه می فرماید:

اگر بین دو نفر نقاری^۴ است و انسان آن را برطرف کند، این اثر بسیار عجیبی دارد. بارها مرحوم آقا (علامۀ طهرانی) می فرمودند:

«اگر شخصی اصلاح ذات‌البین کند، ممکن است بعضی از درهایی که به روی او بسته شده به واسطۀ این کار باز بشود!»

اصلاح ذات‌البین خیلی اثر عجیبی دارد. معنای اصلاح ذات‌البین این است که انسان شیطان را از بین دو نفر بیرون کند و خدا را به جایش بیاورد.^۵

علامۀ طهرانی رضوان‌الله‌علیه در ارتباط با اهمیت مسئله صلۀ رحم می فرماید:

چقدر خوب است مساعدت به ارحام و نزدیکان! یکی از کلیدهایی (کلیدهای آسمان) که خیلی خیلی

محکم است، و به واسطۀ رسیدگی به اقرباء و نزدیکان باز می شود، همین صلۀ رحم است!

صلۀ رحم یعنی به دست آوردن دل شخص، خشنود کردن او، و به طریق احسن، قضاء حوائج اوست.^۶

^۱ همان، جلسه ۹۲.

^۲ همان.

^۳ مبانی اخلاق در آیات و روایات، ج ۲، ص ۱۶۹.

^۴ نقار: کینه، کدورت، دشمنی.

^۵ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۱۹۸.

^۶ مبانی اخلاق در آیات و روایات ج ۱، ص ۱۱۵.

علامه طهرانی در جای دیگری می‌فرماید:

روزی از ایشان (مرحوم آیه‌الله انصاری رضوان‌الله‌علیه) پرسیدم: برای تسریع در سیر الی‌الله و صعود به مراتب کمال و تقرّب به حریم انس إله، چه عمل و رفتاری از همه امور و اعمال مناسب‌تر و کارسازتر است؟

مرحوم انصاری فرمودند:

«پس از انجام واجبات و ترک محرّمات، هیچ عملی برای این مقصود، از قضای حاجت مؤمن و ایجاد مسرّت و ابتهاج در قلب مؤمن، نیکوتر و مؤثرتر نمی‌باشد.»^۱

۹. تهجّد و تفکر

شب‌های ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان را خیلی باید مواظب باشید و ارزش آن را بدانید. بیداری خیلی مهم است، ولی انسان در زمان بیداری لازم نیست همیشه نماز بخواند و ذکر بگوید. چه اشکال دارد که مطالبی از بزرگان مطالعه کند، یا ادعیه ماه رجب را بخواند، یا بر او خوانده شود و او گوش کند؟! بهتر است که انسان قدری از شب را به نماز و قدری را به تأمل و تفکر در وضعیت خود، مآل خود، و رسیدن به حساب و کتاب‌های خود بپردازد.

اکثر جذبات پروردگار و نفحاتی که بر قلب سالک می‌آید، در شب‌های ماه رجب است. برخلاف ماه مبارک رمضان که اکثراً در روز است. لذا انسان باید این نکته را دقت کند و مواظب باشد شب‌های ماه رجب خود را از دست ندهد.^۲

۱۰. ذکر مدام و ورد

ذکر یعنی انسان در حال توجه باشد، حالا چه اینکه ذکر بگوید یا نگوید. انسان همیشه باید خدا را حاضر و ناظر ببیند و هیچ‌وقت حضور خدا را فراموش نکند. اگر شخصی در منزل باشد، انسان چقدر حواسش جمع است و متذکّر است؟! یک مقداری هم به خدا بها بدهد!^۳

یکی دیگر از مسائلی که در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان خیلی مؤکد است، ذکر مدامی است که انسان دارد. ذکر مدام ذکر است که عدد ندارد و انسان بدون عدد می‌تواند آن ذکر را بگوید. این را ذکر مدام می‌گویند. جزء اذکار عددیه نیست و اشکالی هم ندارد که شخص بگوید. مثل ذکر **لا إله إلا الله**. همین‌طور به نحو مدام انسان بگوید. دارد راه می‌رود **لا إله إلا الله** بگوید، نشسته است، آرام بدون اینکه حتی کسی هم

^۱ مطلع انوار، ج ۲، ص ۲۹۷ و ۳۲۸ و ۳۹۵.

^۲ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۱۹۸.

^۳ همان، جلسه ۱.

بفهمد یا مثلاً دهان او حرکتی داشته باشد، ذکر **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بگوید. این خیلی مناسب است.

یکی از آن اذکار، ذکر یونسیه است که «**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ**»^۱ است که توصیه شده بدون عدد [باشد]. اگر کسی می‌تواند مثلاً صد مرتبه [در] بین الطلوعین بگوید؛ اگر یکی می‌تواند، دویست مرتبه بگوید. این ذکر یونسیه بسیار مهم است، متنها بدون عدد: پنجاه مرتبه، هفتاد مرتبه، صد مرتبه، صد و پنجاه مرتبه؛ هرکسی به آن مقداری که خسته نشود. خیلی [روی این ذکر] بزرگان تأکید کرده‌اند، و خود حقیر از مرحوم آقای حدّاد رضوان‌الله‌علیه شنیدم که ایشان می‌فرمودند:

«گنج‌هایی در این ذکر یونسیه نهفته است و اگر شخصی مداومت داشته باشد، خداوند او را به نعمات

خیلی بزرگی می‌رساند.»^۲

۱۱. قرائت قرآن

راجع به قرائت قرآن نظر مرحوم آقا (علامه طهرانی) این بود که اگر انسان بتواند حداقل یکبار قرآن را در این ماه [رجب] دوره کند، بسیار فضیلت دارد.^۳

۱۲. قرائت ادعیه

مرحوم علامه طهرانی بسیار بر قرائت ادعیه ماه رجب^۴ تأکید داشتند. دعاهای این ماه بسیار عجیب است و بهتر است که انسان این دعاها را بخواند. البته نه اینکه همه را یک مرتبه بخواند؛ بلکه [مثلاً بعد از نماز صبح یک دعا را بخواند، بعد از نماز ظهر یکی، بعد از نماز مغرب یکی]. [ماه رجب] چند دعا دارد که این دعاها را متناوباً انسان بخواند.^۵

برخی از ادعیه مورد تأکید اولیاء الهی در ماه رجب

دعای مکارم‌الاخلاق: مرحوم علامه طهرانی رضوان‌الله‌علیه درباره ماه رجب و ماه شعبان تأکید و

^۱ سوره انبیاء (۲۱) آیه ۸۷.

^۲ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۸.

^۳ همان، جلسه ۲۷.

^۴ همان، جلسه ۱۷۹:

«برای افرادی که قدری با زبان عربی انس و مؤالفت کمتری دارند، بهتر است که ترجمه و معانی عبارات را نیز نگاه کنند و خواندن بی‌معنا مطلوب نیست؛ بلکه قرائت باید با توجه به معانی صورت بگیرد؛ به جهت اینکه انسان بتواند تا حدودی از حال و هوای این مضامین سردر بیاورد و ببیند که چه خبر است، معنا را توجه کند و این طراوت و معانی را در وجود خود نگه دارد. زیرا این ادعیه در نفس تأثیری می‌گذارند و برای انسان حکم دارو را دارد که جلوی بسیاری از امراض را می‌گیرد و همین ادعیه جلوی بسیاری از خطورات و وسوسه‌ها را می‌گیرد.»

^۵ همان، جلسه ۱۹۸.

توصیه می کردند که خواندن دعای مکارم الاخلاق در طول این دو ماه بسیار عالی می باشد، و اگر هر روز خوانده نمی شود، حداقل این است که هفته ای یکبار آن دعا را بخواند.^۱

زیارت جامعه کبیره: اولیای الهی، به خواندن زیارت جامعه کبیره، مخصوصاً در ماه رجب بسیار تأکید می کردند. و بنده خودم می دیدم که چگونه اولیاء الهی بر زیارت جامعه کبیره، به خصوص در ماه رجب مداومت داشتند و آن را می خواندند.^۲

مناجات خمسة عشر: ظهور و بروز مناجات خمسة عشر حضرت سجّاد علیه السلام در ماه رجب و شعبان خیلی مشخص است و بزرگان و اولیاء بر این مناجات در ماه رجب خیلی تأکید داشتند. مرحوم حدّاد رضوان الله علیه هر روز ماه رجب را به قرائت یکی یا دو تا از مناجات های خمسة عشر با صدای خودشان می گذراندند؛ چه در روز و چه در شب، در فواصل نماز شب [یا] موقعیت های دیگر به قرائت این دعاها می گذراندند.^۳

دعای صادره از ناحیه مقدسه: دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةُ أَمْرِكَ» که از طرف حضرت بقية الله ارواحنا فداء می باشد. مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه به دوستانشان [قرائت آن را] تذکر می دادند. خواندن این دعا در هر روز ماه رجب بسیار مؤکد است و بهترین وقتش هم بین نماز ظهر و عصر است، و خواندن آن در بین الطلوعین هم خوب است.^۴

دعای «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ»: در هر جایی که هستیم و مکان متبرکی هست (کسی در مشهد است در خدمت حضرت علی بن موسی الرضا سلام الله علیه، در قم خدمت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، در [ری خدمت] حضرت عبدالعظیم علیه السلام) [این دعا خوانده می شود]. در هر صورت اگر هم نبود، منافاتی ندارد به اینکه انسان این دعا را بخواند. این هم دعای بسیار مؤکدی است که در مفاتیح ذکر شده است. دعا های دیگری که در خصوص ماه رجب در مفاتیح الجنان هست، تمام آنها صحیح السند هستند؛ مثل دعای «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ...» که بعد از نماز مستحب است انسان بخواند، یا مانند دعای حضرت سجّاد: «يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ» که این هم بسیار دعای عالیة المضامینی است، یا مانند دعای «حَابِ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَيْرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ».^۵

۱ همان، جلسه ۹۲.

۲ همان، جلسه ۱۹۸.

۳ همان.

۴ همان، جلسه ۴۱.

۵ همان، جلسه ۸.

۱۳. روزه

روزه در ماه رجب به اندازه‌ای تأکید شده است که شاید مضمون بعضی از روایات به نظر انسان

اغراق‌آمیز بیاید!

امام صادق علیه‌السلام به سالم می‌فرماید: «از ماه رجب را چقدر روزه گرفتی؟» او آخر ماه رجب بوده است. گفت: «هنوز روزه نگرفته‌ام.» حضرت فرمودند: «آن قدر ثواب از تو فوت شده است که غیر از خدا کسی نمی‌داند!» یعنی چه؟! ثواب چه چیز؟! ثواب یعنی در ارتباط تو با پروردگار آن قدر مواهب الهی و برکات از تو فوت شده که ثوابش را کسی غیر از او نمی‌داند.

فلذا روزه در ماه رجب بسیار مستحب است. مرحوم علامه طهرانی رضوان‌الله‌علیه می‌فرمودند:

«برای ورود در ماه رجب خوب است انسان به هر مقداری که می‌تواند روزه بگیرد.»

البته این قضیه مربوط به ماه شعبان هم هست، منتها در ماه رجب اهمیت بیشتری دارد. برای افرادی که می‌توانند هر روز را روزه بگیرند و مزاج و استعداد و قوایشان آمادگی این را دارد، هر روز را بگیرند؛ ولی نه به آن مقداری که ضعف بر آنها غلبه کند. علی‌کل‌حال هر شخص به مقدار سعه و توانش می‌تواند روزه بگیرد.

در روایت داریم بزرگان و اولیاء الهی، ائمه علیهم‌السلام، و بخصوص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این سه ماه را پشت سر هم روزه می‌گرفتند.

و اگر کسی نمی‌تواند روزه بگیرد، مستحب است که به جای آن صد مرتبه در هر روز ذکر «سُبْحَانَ الْإِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ» را بگوید. مرحوم علامه [طهرانی] تأکید داشتند که رفقا و دوستانشان در ماه رجب، چنانچه موفق به گرفتن روزه نشدند، حتماً مداومت بر این ذکر داشته باشند. این ذکر را که بگویند ثواب همان روزه را به آنها می‌دهند.^۱

۱۴. زیارت مشاهد مشرفه

یکی از دستوراتی که مرحوم قاضی رضوان‌الله‌علیه و به تبع آنها بزرگان دیگر، خیلی به دوستان و شاگردان و رفقاییشان دستور می‌دادند، زیارت مشاهد مشرفه است. مثلاً افرادی که در طهران هستند، [زیارت] حضرت عبدالعظیم سلام‌الله‌علیه، بسیار مغتنم و مهم است. در روایت از امام هادی علیه‌السلام داریم که فرمودند: «مَنْ زَارَ عَبْدِ الْعَظِيمِ بِرِي كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بِكربلاء؛^۲ کسی که حضرت عبدالعظیم را در ری زیارت

^۱ همان، جلسه ۲۷.

^۲ لئالی الأخبار، ج ۳، ص ۱.

ترجمه: «هرکس عبدالعظیم حسنی را در ری زیارت کند، مانند کسی است که حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را در کربلاء زیارت نموده است.»

کند، مثل اینکه سیدالشهداء را [در کربلا] زیارت کرده است.»

یا اینکه اگر در هر شهری امامزاده صحیح السند و معتمد و موثقی هست، انسان می تواند به آنجا برود و از فیوضات آنجا بهره مند بشود.^۱

از پیغمبر اکرم نقل می کنند که فرمودند: «ملائکة آسمان و زمین، در شب اول رجب همه در خانه کعبه جمع و در آنجا مشغول طواف می شوند.»^۲ لذا مکه و عمره رجبیه ثواب حج را دارد و بسیار مؤکد است و همان طور که مرحوم آقا در روح مجردشان فرموده اند، زیارت علی بن موسی الرضا علیهما السلام در ماه رجب، ثواب حج را دارد.^۳ و حتی روایاتی که درباره [فضیلت] زیارت امام رضا علیه السلام [در ماه رجب] آمده، خیلی روایات عجیبی است.^۴

مناسبت های ماه رجب

۱. لیلۃ الرغائب

اولین شب جمعه از ماه رجب را لیلۃ الرغائب^۵ می نامند. این شب بسیار مهم است و تمام اساتید تأکید

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۲۷.

^۲ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۹۹.

^۳ کافی، ج ۴، فروع، کتاب الحج و المزار، باب فضل زیارت ابي الحسن الرضا علیه السلام، ص ۵۸۴.

^۴ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۲۷.

^۵ قابل ذکر است که سند لیلۃ الرغائب منحصر در نقل آن در کتب عامه نمی باشد. سیدبن طاووس در کتاب الاقبال ج ۳، ص ۱۸۵ می نویسد: در برخی از کتب اصحاب امامیه نیز آمده است و ایشان از آن منبع اخذ نموده است. «وجدنا ذلك في كتب العبادات مروياً عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَقَلْتُهُ أَنَا مِنْ بَعْضِ كُتُبِ أَصْحَابِنَا رَحِمَهُمُ اللهُ.»

همچنین سند اعمال لیلۃ الرغائب منحصر در نقل سیدبن طاووس و اجازه بنی زهره نمی باشد؛ بلکه مرحوم علامه حلی در منهاج الصلاح ص ۴۵۶ و ۴۵۷ آن را مرسلان نقل فرموده است: «و يستحبُّ أن يصلِّي فيه صلاة الرغائب. روى عمر بن شمر عن جابر بن يزيد الجعفي: أنه يصوم أول خميس في رجب، ثم يصلِّي...» از اینجا معلوم می شود که طریق حدیث، منحصر در عامه نیست و این اعمال سند دیگری داشته است. همچنین مرحوم علامه در اجازه کبیره خود به بنی زهره نیز در ضمن بیان مفصل مرویات حسین بن دربی، این روایت را با سند مرکب از عامه و خاصه نقل فرموده است. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۲.

می کردند که شاگردان اعمال آن شب را که بین نماز مغرب و عشاء می باشد، انجام دهند.^۱
 اولیاء الهی به قدری بر این شب تأکید می نمودند که از کلمات آنها این مطلب به دست می آید که اگر
 کسی اعمال چنین شبی را از دست بدهد، آن سال را باخته است!^۲
 شب رغائب، شبی است که آن نفحات خاصه الهیه که خدای متعال به بندگان خاص و اولیائش وعده
 داده است، برای آنها نازل می شود.^۳

کیفیت اعمال لیلۃ الرغائب

در روایت^۴ داریم که اگر شخصی ماه رجب بر او داخل شود، [باید] پنج شنبه ای را روزه بگیرد که
 شب جمعه آن، اولین شب جمعه ماه رجب است.^۵ و در شب جمعه، بین نماز مغرب و عشاء، دوازده رکعت

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱.

^۲ همان، جلسه ۱۴۵.

^۳ همان، جلسه ۱۹۰.

^۴ إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۳۲.

^۵ مانع لیلۃ الرغائب نبودن وقوع پنج شنبه در آخرین روز جمادی

آنچه در روایات به آن اشاره شده است، عبارت است از اینکه اولین شب جمعه ماه رجب، لیلۃ الرغائب می باشد. و به دنبال آن
 روایات، راجع به اعمال لیلۃ الرغائب نیز چنین وارد شده است که: اگر اولین شب جمعه رجب وارد شود درحالی که انسان
 پنج شنبه را روزه بگیرد و بعد وارد اعمال آن شب گردد، خداوند حاجات او را برآورده می کند و فلان ثواب را به او عنایت می
 کند. (إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۳۲)

شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۱۹۰:

تصوّر بسیاری از افراد و بزرگان این است که منظور روایات این است که گرفتن روزه در پنج شنبه ای ملاک است که خود پنج شنبه
 نیز در ماه رجب واقع شده باشد. مطابق این تفسیر، چنانچه پنج شنبه در آخرین روز جمادی الثانی واقع شود و ماه رجب از جمعه
 شروع شود، در این صورت این افراد برای لیلۃ الرغائب باید یک هفته صبر کنند که شب جمعه مجدّد و آتی بیاید و پنج شنبه ای که
 جزو ماه رجب است، روزه بگیرند و بعد این اعمال را انجام بدهند، ولی اینطور به نظر می رسد که خصوص پنج شنبه در اینجا
 مدخلیتی ندارد که داخل در خود ماه باشد؛ زیرا آنچه از باب تناسب حکم و موضوع، مدخلیت دارد، خود همین شب جمعه بودن
 است؛ یعنی شب جمعه برای خودش دارای حیثیت و موقعیتی است که در این موقعیت این برکات می آید. انسان وقتی می خواهد
 از این برکات و از این فضا و خصوصیت استفاده کند، نیاز به آمادگی و تهیّو دارد و آن آمادگی با گرفتن روزه حاصل می شود.
 یعنی باید قبل از ورود در شب جمعه روزه گرفته باشد تا آن فضای روزه و حالت صیام، آن روحانیت و استعداد و تهیّو خاص را
 برای او به وجود بیاورد، و وقتی که به وجود آورد، وارد در لیلۃ الرغائب و شب جمعه می شود. و از طرفی در روایت دلالتی وجود
 ندارد که پنج شنبه باید از ماه رجب باشد. لذا برای افرادی که روز اول رجب آنها، روز جمعه است، لیلۃ الرغائب ایشان همان شب
 جمعه اول است. یعنی انسان باید پنج شنبه را روزه بگیرد و بعد شب جمعه ای که وارد می شود شب جمعه اول ماه رجب است و

نماز بخواند: شش تا دو رکعت و در هر رکعتی بعد از سوره حمد، سه مرتبه سوره **﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾** و دوازده مرتبه سوره **﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾**. بعد از تمام شدن این دوازده رکعت، هفتاد مرتبه **«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ﴾** بگوید، سپس سر به سجده بگذارد و هفتاد مرتبه: **«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ﴾** بگوید، دوباره سر بردارد و هفتاد مرتبه: **«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ﴾** بگوید، دوباره سر به سجده بگذارد و هفتاد مرتبه: **«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ﴾** بگوید. خداوند تمام گناهان او را می آمرزد و هر حاجتی را که بخواهد، خداوند به او عطا می کند.^۱

تبیین معنای واقعی رغائب

رغائب به آن تحفه و هدیه بسیار گران قیمت و ارزشمند گفته می شود که به حسب ظاهر، رسیدن به آن به طور عادی بسیار مستبعد است. به عنوان مثال ممکن است شخصی به منزل انسان بیاید و یک هدیه برای انسان بیاورد؛ اینها چیزهای عادی است و همه از این کارها می کنند و برای یکدیگر هدیه می برند. یا انسان معامله می کند و در آن معامله سود می کند. این هم یک مسئله عادی است و همه این کارها را انجام می دهند. ولی گاهی شخصی در حال کندن زمین برای بنای یک ساختمان است، یا در جایی یک بناء را برای عمران آن خراب می کند، که ناگهان کلنگ می خورد و وقتی با دقت نگاه می کند، می بیند عجب! حفره ای است و درون آن حفره کوزه ای است و در آن کوزه گنج و طلاهایی است. به این می گویند رغیبه! یعنی یک تحفه و هدیه غیرمتوقع. تحفه ای که دیگر تا آخر عمر برای او کافی است. می گویند: فلانی دیگر بارش را بست؛ یعنی دیگر هرچه بردارد، باز هم هنوز جا دارد. این به حسب ظاهر است. رغائب جمع رغیبه است؛ یعنی تحفه های غیرمتوقع، نه تحفه ها و هدیه های عادی، نه آنچه انسان به طور روزمره در طول ماه و سال و هفته به آن می رسد؛ اینها هدیه است و به آنها رغیبه نمی گویند.

آثار همان لیلۃ الرغائب را دارد. این مسئله به نظر اقرب می آید تا آن نظر دیگر.

شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱:

همچنین آنچه خود من استنباط می کنم از خصوصیات روایات این است که روایت در مقام اُغلبیت و غلبه اکثریت آمده است؛ یعنی وقتی که می فرماید «کسی که ماه رجب بر او داخل بشود و پنج شنبه اول را روزه بگیرد»، این در مقام اکثریت است، چون اکثر سنوآت، اول ماه رجب شب جمعه نیست، لهذا پیغمبر از این نظر غلبه اکثریت را داده اند و فرموده اند که «پنج شنبه را روزه بگیرد»، و الا روزه گرفتن خود پنج شنبه در ماه جمادی، همان اثر را دارد.

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۱.

شب رغائب، شب درخواست رفع تعلّقات و حجاب‌ها

شب رغائب، شب ادا کردن قرض و خوب شدن سردرد و کمردرد نیست؛ شب رفع گرفتاری نیست. البته داریم که «هرچه دعا کردید، خدا برآورده می‌کند، ولی اینها رغیبه نیست، اینها چیزهای عادی است. [گرچه] انسان باید اینها را هم از خدا بخواهد.

خدا به حضرت موسی گفت: «نمک طعامت را هم از من بخواه!» و این عین توحید است. انسان باید از او بخواهد، ولی تمرکز و ارتکاز و توجه و اهتمام باید روی چه مسئله‌ای باشد؟ آن منظور بنده است! در این شب باید به موانع راهمان فکر کنیم، به آنچه می‌آید و راه و مسیر ما را می‌بندد، و انسان را بدبخت می‌کند و دنیا و آخرت را از انسان می‌گیرد. این را باید بپاییم؛ کمردرد و دل‌درد و روده‌درد و قرض چیست؟! این مسائل اصلاً به حساب نمی‌آید! در این شب به آن خیالات و توهمات که راه سلوک را می‌بندد باید فکر کرد. در این شب به آن نفحاتی که می‌آید و تعلّقات را می‌برد باید فکر کرد. به آن جذباتی که می‌آید و عشق و عقل انسان را به سمت پروردگار چند برابر می‌کند باید فکر کرد، و این جذبات را باید از خدا خواست. اینها رغیبه است. پس در این صورت از خدا چه بخواهیم؟ باید این را بخواهیم که: خدایا، در امسال توهم و تخیل را از ما بردار، از تخیل و از قوه‌ و اهمه خارج شویم. اینها می‌شود آن رغائبی که جا دارد انسان روی آن سرمایه بگذارد و فکرش را بر آنها متمرکز کند. باید بخواهیم که: خدایا، آن نفحاتی که ما را از تعلّقات خارج می‌کند، امشب آنها را نصیب ما کن تا سال بعد. در امشب بخواهید که: خدایا، امسال فهم ما را زیاد کن! این رغیبه است! یعنی چه فهم ما را زیاد کن؟ یعنی عقل ما را بالا ببر، یعنی قضاوت ما را درباره مسائل، قضاوتی صحیح قرار بده. یعنی ما را از توهمات خارج کن، نفس ما را از تخیلات بیرون بیاور. آنچه برای ما مصلحت حیاتی دارد، گرچه به بهای ازدست‌دادن بعضی از امور دنیوی باشد، آن را برای ما مقدر کن. آخر همه‌چیز که این مسائل دنیا نیست! آخر همه‌چیز که پول و زن و بچه نیست! ما به کدام سمت می‌رویم؟ فهم ما کجا رفت؟! عقل ما کجا رفت!؟

اولیاء خدا در امشب از خدا چه می‌خواهند؟! در آخر همین اعمالی که برای این شب وارد است، آمده است که وقتی سر به سجده گذاشتید، هر حاجتی دارید از خدا بخواهید! این مسئله فهم، همان چیزی است که در آن لحظه می‌توانید از خدا بخواهید.

اولیاء خدا وقتی سر به سجده می‌گذارند، واقعاً از خدا چه می‌خواهند؟ آنها همان را می‌خواهند که زمام‌داران ما به ما تعلیم دادند: «أَدْخِلْنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ؛ خدایا، ما را داخل کن در هر خیری که محمد و آل محمد را در آن خیر داخل کردی! و ما را خارج کن از هر سوئی که پیامبر و آل او را

شب بیست و هفتم رجب، از آن شب‌های کارساز است که خیلی از انوار و تجلیات توحیدی الهی در شب بیست و هفت رجب خواهد بود. اولیاء و بزرگان یک سال خودشان را برای ادراک این شب آماده می‌کردند. برای آن شب اذکار و اوراد خاصی وارد شده است و احیای آن بسیار مسئله مهمی است. و همین قدر بدانیم که در شب بیست و هفت رجب، پیغمبر به رسالت و بعثت رسید. این مسئله، مسئله کمی نیست. در آن شب این دعا وارد شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعْظَمِ؛^۲ خدایا من تو را به تجلّی اعظم تو قسم می‌دهم در چنین شبی!» پیغمبر تجلّی اعظم است، و از وجود پیغمبر، امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام در راستای همین تجلّی قرار دارند. همه اینها واسطه فیض هستند و الان کار در دست امام زمان علیه السلام است.^۳

^۱ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۱۹۰.

^۲ البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۱۸۳.

^۳ شرح حدیث عنوان بصری، جلسه ۴۰.